



ارتباطات ما بسیار کم شده است، هم ارتباط بین نسلی خودمان و هم بین نسل بعدی ما کم شده است

■ و در پایان...

باید تجربیات را هضمند و با یک استراتژی چندین ساله‌ای که داریم مشخص کنیم تابینیم چه کارها و اجراهایی را می خواهیم انجام دهیم. اجرای جشنوارهای تئاتر نیست. ما باید به سمت وسویی برویم که تئاتر مقاومت را دائم اجرا داشته باشیم. گروه‌های تئاتری داشته باشیم. آیا ما گروه‌های تئاتری داریم؟ بی‌شک گروه‌های دائمی تئاتر دفاع مقدسی نداریم. آیا در طول سال تئاتر دفاع مقدس زنده‌دائمی حضور دارد؟ خیر اینگونه نیست. اینکه تنها در قالب جشنواره گروه‌هایی مقطعی تئاتر برای شرکت در جشنواره تشکیل شوند، تئاتر رخ نمی‌دهد. تئاتر دفاع مقدس زمانی محقق می‌شود که بتواند به صورت دائم در تمام روزهای سال نفس بکشد و با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. در اینصورت است که مخاطب تئاتر دفاع مقدس به مروج فرهنگ دفاع مقدس در جامعه تبدیل می‌شود و آن وقت است که تئاتر دفاع مقدس به گفتمان تبدیل و موفق می‌شود. تا زمانی که به اجرای جشنوارهای محدودشویم این امر محقق خواهدشد.



نواندیشی‌های مذهبی می‌زیسته‌است. «شاید با کمی اغماض بتوان گفت این توصیفی از روزگار خود ماست. وضعیت کنونی بشر دست کمی از این توصیف ندارد. نقی به ابتدای اپر اپز نیم، جایی که به عنوان نبرد گاه جنگ جهانگیر دوم، کلیسایی در حال فروز یختن است اسقفی کتابی از خیام می‌یابدوبیتی می‌خواند، خیام را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

انتخاب جنگ جهانگیر دوم، انتخابی استعارای است. جنگی که محصول تعصبات قومی و نژادی و البته با ریشه‌های اعتقادی و ایدئولوژیک است، جهانی را به آستانه قهقرا اسوق می‌دهد. این همان چیزی است که در جنگ کنونی خاور میانه رخ داده است. یک مدل کلیشه‌ای از گذشته، عده‌ای با تمسک به ایدئولوژی خود را محق می‌دانند و بابت اعتقاد خود عامل ترور می‌شوند. این همان جهانی است که چه در جنگ و چه در زمانه خیام تکرار می‌شود و از قضا در هر سه حالت امثال خیام هاستند که مورد تمسخر قرار می‌گیرند.

پس غرب پور برای رسیدن به چنین استعاره‌ای متکثر در زمان، به‌انتزاع گرایش پیدایی‌کند و تلاشش برای این همان‌سازی موقعیت‌ها متمرکز می‌شود. او خیامی را نشان می‌دهد که کمی سر در گم است؛ اما حرفش یکی است. او باورمند است؛ اما به اطرافش شک دارد. او از تمام شاعران گذشته غریب‌پور پیر تر است؛ اما شکاکیتش نیز به مراتب بیشتر است. او همانند شعرهایش تجویز خوشی می‌کند؛ اما گویی آشوب دو جهان در دلش شعله‌ور شده است. او کم‌سخن است و طولانی‌ترین کلامش در نهایت تقابل عقل و عشق خویشتن است. او فیلسوفی است که کم‌حرف می‌زند و بیشتر در نقش یک چشم‌مشاهده‌گر نمایش را دنبال می‌کند. در نهایت بر خلاف دیگر آثار اخیر این هنرمند صاحب‌سبک، او راهکار نیز ارائه می‌دهد. در صحنه آهنگری، مرد آهنگسر در تقابل با دوراهی انتخاب میان اندیشه خواجه مقتول و حسن صباح قهار، درمی‌یابد راه حل هزینه کردن برای خیامی است که نیازمند ر صدخانه است. این وضعیت دستورالعملی است از جانب مؤلف برای جامعه، جامعه‌ای که این روزها خیام‌هایش به بی‌قوله‌هایشان فرومی‌روند تا فرستد برای دیگری‌های پلشت مهیا شود. راهکار چیزی جز حمایت از عاقل عاشق مسلک نیست.

متفاوتی را ارائه‌کنند بتواند؛ این قضیه استفاده‌کنند.

■ ورود مفاهیم جدید به عرصه تئاتر انقلاب و دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما الان با چند نسل مواجه هستیم. نسل‌هایی که در دهه‌های ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ هستند. یعنی ما با یک رویکرد نسلی ۶۰ ساله در ۶ دهه مواجهیم. هر کدام از این دهه‌ها ارتباطشان با مقاومت و دفاع مقدس بسیار متفاوت است. ما اگر می‌خواهیم مفهوم‌سازی کنیم باید در حیطه زیست جهان هر کدام از اینها مفهوم‌سازی کنیم. نه اینکه فقط برای یک دهه خاص کار کنیم. حتی ما باید برای ده ساله‌هایی که دهه‌نودی هستند و الان خودشان را آماده می‌کنند برای خواندن، نوشتن، تحصیل کردن و ورود به جامعه، مفهوم‌سازی را انجام دهیم. چرا در تئاتر مقاومت کار کودک و نوجوان نیست؟ چرا مسائل اجتماعی و خیلی چیزهایی که مربوط به انسان امروز و دهه‌های مختلف هست، دیده نمی‌شود؟ من متولد دهه ۳۰ و ۴۰ هستم و با خود انبازی از تجربیات را به همراه دارم. تمام تجربیاتم را نمی‌توانم به یک نسل دهه ۹۰ منتقل کنم. باید با نگاه‌اودریافت کنم.

■ بهترین خطرهای که از جشنواره تئاتر مقاومت دارید؟

مادر سال ۶۴ به واسطه سپاه و وزارت ارشاد اولین گروه تئاتری بودیم که عازم جبهه‌ها شدیم. از ارومیه تا اهواز را زیر پوشش قرار دادیم. ۳۰ تا ۴۰ روز طول کشید. بهترین خطرات را از تئاتر دفاع مقدس در آنجا دارم. در جشنواره‌ها هم بهترین خطرات زمانی بود که بین هنرمندان و مدیران همبستگی و همدلی بود. این ارتباطات به تعامل و مشارکت می‌انجامید. آن زمانی که جشنواره شرکت می‌کردیم و افتخار داشتیم که در خدمت دوستان باشیم این ارتباط در طول سال، ماه‌ها و هفته‌ها وجود داشت. اما امروزه این گسست وجود دارد و این ارتباط نیست. به هر حال در جشنواره به همین اندازه که با خلاقیت هنرمندان مواجه می‌شوم، بهترین خطرات من در زمانی است که آثار آنان را می‌بینم.

■ تئاتر مقاومت در یک جمله؟

مقاومت کنیم تا مقاوم باشیم.

■ چه راهکاری برای حل مشکلات ذکر شده به نظر تان می‌رسید؟

باید جلسات و نشست‌های مرتبی برپا شود. بیابیم هدف‌گذاری کنیم به این صورت که ما بدانیم ۱۰ سال آینده می‌خواهیم کجا باشیم. اگر فرقی نمی‌کند که هدف ما نزدیک یا دور باشد اما باید هدف مشخص باشد. اگر ما دراز مدت کار کنیم و ۱۰ سال بعد نتیجه بگیریم باید روی افراد ما تکلیف‌مان با هدف و تکلیف‌مان بپا افراد مشخص نیست. تکلیف‌مان با روند کیفیت و روند تاکتیک و تکنیک‌ها مشخص نیست. متأسفانه اکثر جشنواره‌های ما، نه فقط تئاتر، بلکه همه جشنواره‌ها برای جشنواره هستند. این نه تنها ما را به هدف نزدیک نمی‌کند، بلکه ما را بی‌هدف می‌کند. هدف ما فقط می‌شود جشنواره بر گزار کردن نه چیز دیگری.

■ به نظر شما مهمترین مشکل و چالش پیش‌روی تئاتر مقاومت چیست؟

هر اتفاقی که بتواند منبعث از کار فکری و هضمند و دارای استراتژی باشد به ما کمک می‌کند؛ اما زمانی که ما دفاع مقدس را به مقاومت تغییر دادیم چه هدفی داشتیم؟ این فقط در جلسه مطرح می‌شود یا می‌خواهیم هدف آن را همه بدانند؟ اگر به مقاومت نگاه کنیم هر انسانی که امروز در حال زندگی ست، به نحوی در حال مقاومت است. اگر اینگونه نباشد ما کار انسانی انجام می‌دهیم و کار انسانی مقدس‌ترین کار در این زمینه است. اینجا ست که با گسترده‌گی مفاهیم روبه‌رو می‌شویم. یکی از مهم‌ترین مسائل این است که مفهوم مقاومت را چگونه تحلیل و تبیین می‌کنیم. دفاع مقدس یک جریان و تاریخ مشخصی است. اما زمانی که می‌خواهیم به مقاومت بپردازیم می‌شود گفت یک صفت و مفهوم است و این مفهوم را چگونه برای همه انسان‌ها تجزیه، تحلیل و تبیین می‌کنیم. حال آن انسانی که با من هم‌فکر و هم‌مسلك است، یا برای همه انسان‌هایی که در همه جای دنیا هستند. پس کار راحتی نیست. مهم‌ترین مسأله مفهوم‌سازی است. اگر مفهوم‌سازی برای هنرمند بتواند قابل درک بیان شود، که اثر تولیدیش مقاومت را در رویکرد انسانیت برای انسان شدن باشد، خیلی کار خوبی هست. اما به شرط اینکه مفهوم‌سازی در چهارچوب چند نفر نباشد، در ایده پردازی خالص نباشد. باید مفهوم برای همه تحلیل و تبیین شود تا اگر کسی خواست راجع به تئاتر، رویکردهای



این زمان زندگی می‌کنند. ما همه تجربیات خود را نمی‌توانیم منتقل کنیم. چرا که در یافت‌کنندگان امکانات ارسال تجربیات گنجایش محدودی دارند. زمانی که نسل بعدی ما می‌خواهد مطالب را دریافت کند ما یک سری مباحث را به صورت گزینشی به او ارائه می‌دهیم و او با توجه به زیست خود دریافت و تحلیل می‌کند و مفاهیم جدید را می‌سازد. مادر گذر چنین نسلی هستیم. اگر از این مباحث درک درستی داشته باشیم باید ببینیم در این زمان و بانسل جدید با آنچه که ما به آنها به عنوان یادگار و تاریخ ارائه دادیم، چه در یافتی دارد و چگونه می‌تواند مسائل را پیش بکشد.

■ نقش آموزش و پژوهش را در تولید آثار تئاتر دفاع مقدس چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در کار هنر آموزش و پژوهش باید تبدیل به اثر شود. ما آموزش می‌بینیم که کار تولید کنیم. پژوهش می‌کنیم که اثر تولید شود. متأسفانه این ارتباط قطع است. آموزش کار خود را می‌کند و پژوهش کار خود را انجام می‌دهد. مدیریت و هنرمند هم هر یک کار خود را انجام می‌دهند. مادر صورتی می‌توانیم بگوییم که جامعه‌ای پر بار از هنر داریم و آثار هنری منطقی بر رویکردهای آموزشی و پژوهشی خواهد بود که بر ایند آنها ارتباط خوبی داشته باشند و بتوانند به صورت منسجم این ارتباط را حفظ کنند تا به تولید ما کمک کنند. قرار نیست فقط آموزش برای آموزش، پژوهش برای پژوهش و اجرا برای اجرا باشد.

ما همه تجربیات خود را نمی‌توانیم منتقل کنیم. چرا که در یافت‌کنندگان امکانات ارسال تجربیات گنجایش محدودی دارند. زمانی که نسل بعدی ما می‌خواهد مطالب را دریافت کند ما یک سری مباحث را به صورت گزینشی به او ارائه می‌دهیم و او با توجه به زیست خود دریافت و تحلیل می‌کند و مفاهیم جدید را می‌سازد. مادر گذر چنین نسلی هستیم. اگر از این مباحث درک درستی داشته باشیم باید ببینیم در این زمان و بانسل جدید با آنچه که ما به آنها به عنوان یادگار و تاریخ ارائه دادیم، چه در یافتی دارد و چگونه می‌تواند مسائل را پیش بکشد.

امروزه در زمانی به سریم که یک گسست نسلی وجود دارد. این گسست نسلی را در حوزه هنر و مخصوصاً تئاتر دفاع مقدس چگونه می‌توانیم پر کنیم و آن را از بین ببریم؟ یکی از قضایایی که وجود دارد ارتباط ما بسیار کم شده است. هم ارتباطات بین نسلی خودمان و هم بین نسل بعدی ما کم شده است. جایگاهی که نهاد‌های مربوطه به دفاع مقدس باید رقم‌بزنند تا بتوانند ارتباطات را بیشتر کنند. زمانی که ما ارتباط بیشتری داشته باشیم اطلاعات جدیدی به دست می‌آوریم و می‌توانیم تعامل سازنده داشته باشیم. تعاملات را هم ابتدا اعتماد سازی و سپس مشارکت می‌سند. امروزه از کسانی که کار دفاع مقدس می‌کنند بدون ارتباط

احسان صاری

در روزگار کروناده امروز و نومیدی جامعه تئاتری و عدم حمایت از بخش فرهنگی جامعه، به نظر جشنواره‌ها تنها مفر برای هنرمندان به حساب می‌آیند. جشنواره تئاتر مقاومت یکی از آن مفرها ست، جایی که طبق آمار و ارقام استقبال از آن زیاد بوده و اصرار متولیانش به برگزاری آن است. از همین رو با محمدعلی خبری، یکی از چهره‌های شاخص در حوزه سیاستگذاری فرهنگی و استاد دانشگاه آزاد، به‌ویژه تئاتر گفتگویی ترتیب دادایم که به شرح زیر است:

■ ■ ■

■ جایگاه تئاتر مقاومت را در میان جامعه امروز هنرمندان تئاتر و علاقه‌مندان به آن چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مسلم است با گذر زمان و تاریخ مباحث متفاوت می‌شوند. در ابتدای نسلی از هنرمندان تئاتر بوده که جبهه را از نزدیک لمس کرده است و در تمام قضایا حضور داشته و می‌خواهد تجربیات خود را منتقل کند. به بیان دیگر می‌توان گفت مادر حال گذر نسلی هستیم. نسلی که در جبهه بوده و فعالیت داشته و همه مباحث و قضایایش را به این سمت و سوبرده است و نسلی که فرزندان آنها هستند و در

یادداشت

حساب «پرای خیام» از تمام کارهای بهروز غرب پور جداست

ای دوست حقیقت شنواز من سخنی



احسان زیور عالم

از زمان شکل‌گیری تئاتر مدرن در ایران تمایل به مصور کردن ادبیات کلاسیک، بخشی از آرزوی دولت‌ها و حکومت‌ها بوده است. منهای دوره قاجار که حاکمیت توجه چندانیه به شکل تئاتر غربی نداشت، با به قدرت رسیدن رضا میرینچ، میل به تولید آثار هنری مبتنی بر متون کهن شعله‌ور می‌شود. نتیجه چنین رویه‌ای ساخت چند اپرت بر مبنای شاهنامه و مثنوی‌های نظامی گنجوی است و البته تلاش رضاشاه برای ساختن سالن اپرایی که در نهایت بانک مسکن می‌شود.

با احداث تالار وحدت نیز میل با تولید آثار ملی گر ایانه دوباره شعله‌ور می‌شود و قالب‌های اپرایی و باله‌محور به عنوان شکل هنری محبوب برای این آثار به شکل سازمان یافته تولید می‌شود. نتیجه چنین رویکردی ظهور و بروز برخی هنرمندانی بود که با وقوع انقلاب اسلامی رویه کاریشان بانوعی ایهام‌همراه می‌شود.

پس از انقلاب نیز دولت با توجه به اهمیت یافتن دوباره حفظ و اشاعه زبان فارسی، میل به تولید آثار هنری مبتنی بر متون کهن فارسی و چه تشویقی می‌یابد، هر چند تلاش‌های متعدد دولت در قالب جوایز و مسابقه‌ها راه‌به جایی نمی‌برد و نمی‌تواند استمرار ی ایجاد کند، جز در یک مورد: بهروز غرب پور. این هنرمند همه‌فد حریف یکی از طولانی‌ترین تمرکزهای ادبیات کهن و دراماتیزه کردن زندگی نوابغ ادبیات فارسی را رقم زده است. از اواخر دهه ۸۰ تا به امروز، او و گروه آن موفق به اجرای چندین اثر کهن در قالب نمایش، آن هم اپرای عروسکی شده‌اند.